مطالعات تاریخ اسلام
سال یازدهم/ شمارهٔ ۴۰/ بهار ۱۳۹۸

پایگاه اجتماعی موسیقی در بغداد قرون دوم و سوم هجری

حلیمه جعفرپور نصیر محله[۱]
سید احمدرضا خضری[۲]

چکیده: موسیقی در بغداد عصر عباسی به‌عنوان یکی از اجزای جدایی‌ناپذیر زندگی مردم و ابزاری برای سرگرمی مورد توجه گروه‌های مختلف اجتماعی قرار داشت. خواص که از جایگاه اجتماعی مهم‌تری برخوردار بودند، با استخدام موسیقی‌دانان در خانه‌ها و کاخ‌های خود و حمایت از آنان در پیشرفت موسیقی نقش مؤثری ایفا می‌کردند. در این طبقه به‌کارگیری موسیقی‌دانان و کنیزان خواننده و نوازنده بیانگر تشخص، اقتدار، و پایگاه اجتماعی آنان بود. در میان عامه نیز موسیقی، هنری شناخته شده بود و اقشار مختلف مردم همچون بزازان و حجامتگران با موسیقی آشنایی داشتند. با این حال، از آنجا که به لحاظ شرعی، روایاتی چند پرداختن به موسیقی را از محرمات دانسته است، وجهه اجتماعی این هنر در جامعه اسلامی بغداد چندان ارزشمند نبود. پژوهش حاضر کوشیده است پایگاه اجتماعی موسیقی و موسیقی‌دانان را در جامعه بغداد قرون دوم و سوم بررسی نماید. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است و پژوهش با استفاده از منابع و مآخذ موجود سامان یافته است.

واژه‌های کلیدی: موسیقی، پایگاه اجتماعی، بغداد، خلفای عباسی، مغنیان

۱ دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) jafarpoor.h@gmail.com
۲ استاد تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه تهران akhezri@ut.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۰۵ تاریخ تأیید: ۹۷/۰۴/۲۴

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-04]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.40.3.6]

Social Status of Music in Baghdad during the Second and Third Centuries AH

Halime Jafarpoor Nasirmahaleh[1]
Seyyed Ahmadreza Khezri[2]

Abstract: During the Abbasid era in Baghdad, music was considered as one of the components of people's life and was paid attention to by different social classes as a means of entertainment. The elites who that had higher social position played an effective role in developing music by recruiting the musicians in their houses and supporting them. In those social casts, employing the musicians and women singers was a manifestation of their power and the importance of their social position. As a result, some officials were known musicians themselves. Moreover, music was well- known among the public. Various communities of society like the tailors and cupping therapists were familiar with music. However, according to religion and some traditions dealing with music is forbidden, so this art was not much appreciated in Baghdad. The presented research is studying the status of the art of music among different social casts in Baghdad. The research method is descriptive-analytic and it is organized based on existing resources and references.

Keywords: Music, Baghdad, social casts, musician

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-04]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.40.3.6]

1 PhD Student of the Islamic Civilization & History , Tehran University (corresponding author), jafarpoor.h@gmail.com
2 Professor of Islamic History, Tehran University akhezri@ut.ac.ir

مقدمه

تاریخ زندگی انسان همواره با شعر و موسیقی و تأثیر سحرانگیز آن عجین بوده و انسان در طی قرون و اعصار، افکار، عقاید و احساسات خود را به‌وسیله موسیقی بیان داشته است. چنانکه مردم در تولد و مرگ، عزا و عروسی، جشن و شادی و... موسیقی را به‌کار گرفته‌اند. با پیشرفت جوامع، موسیقی، جایگاه مهم‌تری در دیگر فعالیت‌های اجتماعی انسان پیدا کرد. از جمله:

- در زندگی مذهبی انسان‌ها، موسیقی در مراسم آیینی، به‌ویژه در بین صوفیه حضوری پررنگ داشت.
- در طول حیات انسان از تولد تا مرگ در مراسم مختلفی که برای آدمی برگزار می‌شد، موسیقی حضور داشت.
- در زندگی شغلی، موسیقی، کارگران را به هنگام کار، قصه‌گویان را به هنگام بیان حکایت، صیادان را به وقت شکار و روان‌پزشکان را به هنگام روان‌درمانی همراهی می‌کرد.
- در عرصه سیاسی موسیقی بهترین وسیله برای جمع شدن مردم، گرد یک تفکر یا یک شخص بود.
- موسیقی بهترین همراه برای طالبان علوم و فنون بود؛ چنان‌که قوانین علوم و ادبیات به نظم در می‌آمد و آماده آهنگ و نغمه‌پردازی می‌شد.[۱]

افزون بر این، شعر و موسیقی در ایام تولد کودک، جشن ختنه سوران، بازگشت مسافر، جشن عروسی، جشن وضع حمل، جشن نزول باران، کاشت و برداشت محصول، کشیدن آب از چشمه و سرود پیروزی انسان‌ها را همراهی می‌کرد.

تا پیش از قرن دوم هجری به دلیل درگیری اذهان مردم به جنگ و گذران دشوار زندگی جایی برای پرداختن به موضوع هنر و موسیقی باقی نمی‌ماند. تا اینکه عباسیان در سال ۱۳۲ق. به حکومت رسیدند و بغداد را مرکز خلافت خود قرار دادند. این شهر، از عصر منصور (حکومت ۱۳۶–۱۵۸ق.) مرکز خلافت اسلامی گردید،[۲] و علم، هنر، ادبیات و به‌طور کلی

۱ صالح المهدی (بهار و تابستان ۱۳۸۶)، «سنت موسیقی عرب»، ترجمهٔ فریبا سلامت نیا، تهران: آینه میراث، ش۳۶ و۳۷، صص۲۲۷-۲۲۸.

۲ ابن عبدالله یاقوت حموی (۱۹۹۵ م)، *معجم البلدان*، ج۱، بیروت: دار الصادر، ص ۴۵۹؛ علی‌بن‌حسین مسعودی (۱۴۰۹ ق)، *مروج الذهب و المعادن الجوهر*، تحقیق اسعد الداغر، قم: دارالهجره، ص ۳۱۲.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-04]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.40.3.6]

تمدن اسلامی در این شهر به پیشرفت‌های زیادی دست یافت و دوره اول حکومت عباسیان، عصر طلایی فرهنگ و تمدن اسلامی گردید.[۱] آن‌چنان‌که این عصر، عصر طلایی موسیقی کلاسیک عربی نیز شناخته می‌شود.[۲]

پژوهش پیش‌رو می‌کوشد تا نگرش جامعه بغداد را به موسیقی در قرون دوم و سوم هجری مورد کاوش قرار دهد و به این پرسش‌ها پاسخ گوید که موسیقی در جامعه بغداد آن روزگار چه جایگاهی داشته و نگاه طبقات مختلف مردم به این هنر چگونه بوده است؟ پایگاه اجتماعی موسیقی‌دانان این عصر چگونه و درجه اعتبار و ارزش موسیقی چه میزان بوده است؟

بغداد جلوه‌گاه موسیقی عصر عباسی

تقریباً همه منابع دربارهٔ چگونگی بنای بغداد اتفاق نظر دارند و بر اهمیت و عظمت این شهر به‌ویژه در قرون نخستین بنای آن، به‌عنوان یکی از مراکز مهم سیاسی، بازرگانی و فرهنگی تأکید کرده‌اند.[۳] در حقیقت، بغداد به‌عنوان پایتخت جهان اسلام و مرکز فرهنگ و تمدن اسلامی شهری آباد و پر رونق تلقی می‌شد که آمیزه‌ای از عناصر، ملیت‌ها، نژادها، رنگ‌ها، مذاهب و زبان‌ها در آن می‌زیستند.[۴] به گفته *تاریخ الفخری*، در عصر عباسی بازار علوم متداول، خیرات فراوان، جهان آباد و مرزها استوار بود.[۵] از این نوشته‌ها پیداست که تمدن اسلامی در این دوره، سال‌های طلایی و پربار خود را می‌گذرانده است. عباسیان با درآمدهای کلانی که از امور مختلف به‌دست می‌آوردند، دولتی ثروتمند تشکیل داده بودند و چون پیشرفت فرهنگی، وابسته به عوامل سیاسی و اقتصادی است و به پشتوانه توسعه اقتصادی، هنر نیز رشد می‌کند، در این دوره موسیقی نیز به عالی‌ترین درجه کمال خود رسید.[۶] در بغداد عصر عباسی، مردم به دو طبقه اصلی تقسیم می‌شدند: خاصه و عامه که هر یک از این دو طبقه نیز دسته‌های کوچک‌تری را در برمی‌گرفتند که در ادامه به آنها پرداخته می‌شود.

---

۱ شوقی ضیف [بی‌تا]، *العصر العباسی الاول*، قاهره: دارالمعارف، ص ۱۱.

2 Jean Kins and Paul Rovsing Olson (1976), *Music and musical of instrument in the world of Islam*, Horniman Museum London World of Islam Festival Publishing Compony Ltd., p 8.

۳ شیرین بیانی (۱۳۷۷)، *تیسفون و بغداد در گذر تاریخ*، تهران: انتشارات جامی، ص ۱۵.

۴ محمدکاظم مکی (۱۳۸۳)، *تمدن اسلامی در عصر عباسی*، ترجمهٔ محمد سپهری، تهران: انتشارات سمت، صص ۵۹ و۶۳.

۵ محمدبن‌علی‌بن‌طباطبابن‌طقطقی (۱۹۹۷ م)، *الفخری فی آداب السلطانیه ودول الاسلامیه*، تحقیق عبدالقادر محمد مأیو، بیروت: دارالقلم العربیة، ص ۱۴۷.

۶ ابن‌خلدون (۱۳۷۵)، *مقدمه*، ترجمهٔ محمد پروین گنابادی، ج۲، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۸۵۴.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-04]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.40.3.6]

طبقه خاصه

طبقه خاصه خود به چهار دسته تقسیم می‌شد: خلیفه، خاندان خلیفه، رجال دولتی و وابستگان طبقه خاصه. خلیفه دارای قدرت سیاسی و مذهبی بود و مردم در اطاعت او بودند. خلفای این دوره از ابوالعباس (۱۳۲-۱۳۶ق.) تا مستکفی (۳۳۳-۳۳۴ق.) همه از علاقه‌مندان موسیقی بودند و با گردآوردن موسیقی‌دانان در کاخ‌های خود و اعطای انعام به آنان از این هنر حمایت می‌کردند. دراین دوره بجز منصور (۱۳۶-۱۵۸ق.) و مهتدی (۲۵۵-۲۵۶ق.) که به دلایل مختلف از ساز و آواز پرهیز داشتند، بقیه خلفا موسیقی را به‌عنوان ابزار تفنن در خدمت خود داشتند و آن را برای شکوهمند ساختن دربار به‌کار می‌گرفتند.

خاندان خلیفه

پس از خلفا، فرزندانشان و خاندان عباسی قرار داشتند که از بالاترین طبقات جامعه به‌شمار می‌رفتند و از دولت مقرری دریافت می‌کردند. این گروه با برخورداری از مزایا و اموال دولتی به خوشگذرانی می‌پرداختند و با ساخت کاخ‌های مجلل زمینه حضور موسیقی‌دانان و ادیبان را در این محافل فراهم می‌نمودند. از جمله افراد ثروتمند خاندان عباسی، محمدبن‌سلیمان‌بن‌علی است که علاوه بر املاک و کاخ‌ها، ۲۵ میلیون درهم نقدینه داشت و درآمد روزانه‌اش صد هزار درهم بود.[۱] وی فردی هنرپرور محسوب می‌شد که ابراهیم موصلی او را در جوانمردی و طرب‌دوستی در بین هاشمیان ممتاز می‌دانست.[۲] همچنین از داستان‌های مختلفی که در *الاغانی* آمده برمی‌آید که دیگر فرزندان سلیمان‌بن‌علی، یعنی علی و جعفر هم اهل موسیقی بوده‌اند و جوائز فراوان به موسیقی‌دانان می‌بخشیده‌اند که این بخشش‌ها، موجب شگفتی منصور، خلیفه عباسی می‌گردید.[۳] حکم الوادی یکی از مشهورترین مغنیان اوایل عصر عباسی است که در زمان خلافت منصور به خدمت محمد پسر ابوالعباس سفاح درآمد. به گفته ابوالفرج، محمد غنای او را بسیار دوست می‌داشت و وی را بر سایر مغنیان مقدم می‌دانست و آوازهایش را می‌پسندید.[۴] همچنین بسیاری از فرزندان خلفا با

۱ جرجی زیدان (۱۳۸۶)، *تاریخ تمدن اسلام*، ترجمهٔ علی جواهرکلام، تهران: انتشارات امیرکبیر، صص ۸۸۲-۸۸۳.
۲ علی‌بن‌حسین‌ابوالفرج اصفهانی (۱۹۶۳ م)، *الاغانی*، ج۵، قاهره: دارالکتب، ص ۱۶۰.
۳ ابوالفرج اصفهانی، همان، ج۶، ص ۲۸۲.
۴ همان، ج۶، ص ۲۸۳.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-04]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.40.3.6]

موسیقی آشنایی داشتند. یکی از مشهورترین آنها ابراهیم‌بن‌مهدی (۱۶۲–۲۲۴ق.) معروف به ابن شکله است که مادرش شکله، تباری ایرانی داشت. او در زمان خلافت برادرش هارون الرشید حاکم دمشق بود.[۱] اسحاق موصلی درباره او گفته است: «از نسل عباس‌بن‌عبدالمطلب، بعد از عبدالله‌بن‌عباس مردی با فضیلت‌تر از ابراهیم‌بن‌مهدی برنخاست که در موسیقی نیز به درجه کمال رسیده باشد».[۲]

موسیقی‌دان دیگر از خاندان عباسی، عُلَیّه یا عبّاسه (۱۶۰–۲۱۰ق.) دختر مهدی عباسی بود. او را بانویی ادیب و نوازنده توصیف کرده‌اند که در بغداد متولد شد و همان‌جا نیز درگذشت. او شعرهای نیکو می‌سرود و بر آنها آهنگ می‌ساخت.[۳] به اعتقاد مردم آن دوره، از ابراهیم‌بن‌مهدی و خواهرش عُلَیّه خوش‌آوازتر در آن عصر و پیش از آن وجود نداشته است.[۴] علاوه بر این، ابوعیسی فرزند هارون الرشید[۵]، عبدالله‌بن‌هادی[۶]، عبدالله‌بن‌امین[۷] و عبدالله‌بن‌معتز[۸] از خلیفه‌زادگانی بودند که به‌خوبی با موسیقی آشنایی داشتند.

رجال دولتی

در این دوره بیشتر رجال دولتی از حامیان هنر بودند و برمکیان (خالد، یحیی، فضل، جعفر، محمد و موسی) نمونه بارز آنها هستند که در سال ۱۸۷ق. به دلیل خشم هارون از کار برکنار شدند و تعدادی نیز به زندان افتادند.[۹] اما برمکیان در کنار فعالیت‌های سیاسی حامیان جدی علم، هنر و ادبیات بودند. مثلاً یحیی‌بن‌خالد وزیر کاردان عباسیان، دوستدار موسیقی بود و درباره این هنر می‌گفت: «موسیقی آن است که انسان را به طرب آورد؛ برقصاند و بگریاند و متأثر کند؛ و جز آن هر چه باشد، رنج و بلاست».[۱۰] درباره بخشش‌های وی به موسیقی‌دانان

۱ ابوالفرج اصفهانی، همان، ج۶، ص ۹۵.
۲ همان، ج۶، ص ۹۵.
۳ همان، ج۱۰، ص ۱۶۲.
۴ همان، ج۱۰، ص ۹۶.
۵ همان، ج۱۰، ص ۱۸۷.
۶ همان ،ج۱۰، ص ۱۹۳.
۷ همان، ج۱۰، ص ۱۹۸.
۸ همان، ج۱۰، ص ۲۷۴.
۹ مسعودی، همان، ج۳، ص ۳۷۸؛ محمدبن‌جریرطبری (۱۳۷۸ ق)، *تاریخ الامم والملوک*، تحقیق محمدابوالفضل ابراهیم، ج۸، بیروت: دارالتراث، ص ۲۵۹.
۱۰ مسعودی، همان، ج۴، ص ۱۳۴.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-04]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.40.3.6]

در *الاغانی* بسیار سخن گفته شده است. از جمله داستانی که از قول مخارق مغنی آن عصر بیان شده و بر اساس آن، وقتی او برای خواندن آواز و تعلیم آن به کنیز یحیی در منزل وی حاضر شد، آن وزیر، ده هزار درهم به مخارق و صد هزار درهم به استادش ابراهیم موصلی بخشید.[۱]

اما فضل‌بن‌یحیی (۱۴۸– ۱۹۳ق.) والی خراسان، طبرستان و ارمنستان، فردی هنرپرور و سخاوتمند بود که حکایات گوناگون او را چهره‌ای ادیب و موسیقی‌شناس توصیف کرده است. چنانکه بر درگاه او چهار هزار ادیب و شاعر حاضر بودند.[۲] مشهورترین ویژگی فضل، جود و بخشندگی اوست که وی را حتی در میان خانواده‌ای معروف به سخاوت نیز ممتاز کرده است. موسیقی‌دانان آن عصر نیز از این جود بی‌بهره نمی‌ماندند، چرا که فضل دلبسته سماع بود. به گفته ابوالفرج، وقتی ابراهیم موصلی آوازی برای فضل خواند، او دو هزار دینار به همراه چارپایی که بر آن سوار بود به او بخشید؛ و او زمانی دیگر بر شعر عباس‌بن‌احنف آهنگی ساخت و در محضر فضل اجرا کرد و چهار هزار دینار از او جایزه گرفت.[۳] اسحاق موصلی نیز پس از ستایش فضل در یک شعر زیبا هزار دینار از او صله دریافت کرد.[۴]

اما جعفربن‌یحیی (۱۵۰– ۱۸۷ق.) وزیر هارون بود که با قتل وی شوربختی برمکیان آغاز شد. فصاحت و بلاغت جعفر در گفتار و نوشتار هم‌پایه آوازه سخاوت برادرش فضل بوده است. گذشته از آن وی در هنرپروری نیز شهرت داشته چنانکه انعام او به اسحاق موصلی در هنگام تنگدستی زبانزد بوده است.[۵] از گفته‌های اسحاق موصلی در *الاغانی* پیداست که جعفر خود با موسیقی آشنایی داشته، فردی خوش‌آواز بوده و طبل نیکو می‌نواخته است.[۶] حتی عَریب (۱۸۱– ۲۷۷ق.) شاعر، آوازه‌خوان و نوازنده عود را دختر جعفر دانسته‌اند. او که متولد و بزرگ شده بغداد بود، هنگام نکبت برمکیان روزهای کودکی خود را می‌گذراند که امین و سپس مأمون او را خریدند.[۷] علاقه جعفر به موسیقی و غنا منشأ توجه او به موسیقی‌دانان معاصرش بود که شواهد بسیار آن در جای جای *الاغانی* به چشم می‌خورد. کسانی مانند

۱ ابوالفرج اصفهانی، همان، ج۵، ص ۱۸۲.
۲ احمدبن‌علی‌بن‌خطیب(۱۴۱۷ ق)، *تاریخ بغداد*، ج۱۲، بیروت: دارالکتب العلمیة، ص ۳۳۶.
۳ ابوالفرج اصفهانی، همان، ج۵، ص ۱۸۲.
۴ همان ج۵، صص ۳۰۱-۳۰۲.
۵ همان، ج۵، ص ۳۱۰.
۶ همان، ج۵، ص ۲۷۴.
۷ همان، ج۱۷، ص ۷۲.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-04]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.40.3.6]

اسحاق موصلی، ابن‌جامع، مخارق و دیگران در کنف حمایت او بودند. افزون بر این، آخرین ساعات زندگی جعفر نیز با موسیقی همراه بوده و ابوزکار طنبوری، نغمه‌گر نابینا در مجلس وی آواز می‌خواند و می‌نواخت و کنیزکان از پشت پرده به ساز و آواز نشسته بودند که مسرور خادم با خشونت جعفربن‌یحیی را از مجلس طرب به قتلگاه برد.[۱]

محمدبن‌یحیی برمکی نیز از بزرگان عصر اول عباسی است که هنرمندان را گرامی می‌داشت. وقتی ابراهیم موصلی روز مهرگان در مجلس محمدبن‌یحیی حضور یافت، محمد تمام هدیه‌هایی را که آن روز برایش آورده بودند به ابراهیم بخشید.[۲]

گذشته از برمکیان دیگر رجال دولتی نیز از پرداختن به موسیقی پرهیز نداشتند. از جمله فضل‌بن‌ربیع که با موسیقی‌دانان دوستی داشت و گاه برای شنیدن ساز و آواز اسحاق موصلی بی‌تابی می‌کرد. او نیز خود را پرورده احسان فضل می‌دانست.[۳]

در عصر دوم عباسی نیز بسیاری از دولتمردان و وزیران علاقه‌مند و حامی شعر و موسیقی بودند. از جمله محمدبن‌فضل جرجرایی وزیر متوکل که در موسیقی متبحر بود و به این فن شهرت داشت.[۴] همچنین طاهریان هنردوست از موسیقی‌دانان حمایت می‌کردند. *اغانی* بارها عبدالله‌بن‌طاهر را در مجالس بزم مأمون نشان داده و گاه نیز عبدالله خود در بین نوازندگان و خوانندگان مناظره و مسابقه برگزار می‌کرده است.[۵] محمدبن‌عبدالله‌بن‌طاهر یکی از افراد این خاندان است که خود آهنگساز بوده و کنیزش «مونسه» برایش آواز می‌خوانده است.[۶] به همین ترتیب بسیاری دیگر از اشراف و بزرگان آن روزگار همچون علی‌بن‌هشام وزیر، فتح‌بن‌خاقان، علی‌بن‌فرات و ابن‌مغله در بزم‌های خویش موسیقی را نادیده نمی‌گرفتند.

ارزش و پایگاه موسیقی

از آنچه گفته شد چنین برمی‌آید که موسیقی در میان بنی‌عباس و اشراف و بزرگان بغداد آن روز موضوعی پذیرفته شده بود و پرداختن به موسیقی، یک سرگرمی طبیعی و از اجزای

۱ مسعودی، همان، ج۳، ص ۳۷۸؛ طبری، همان، ج۸، ص ۲۵۹.
۲ ابوالفرج اصفهانی، همان، ج۵، ص ۲۴۵.
۳ همان، ج۵، ص ۳۰۷.
۴ ابن‌طقطقی، همان، ج۱۵، ص ۲۳۵.
۵ همان، ج۱۵، ص ۲۷۰.
۶ مسعودی، همان، ج۳، صص ۸۷-۸۸.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-04]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.40.3.6]

زندگی آنها تلقی می‌گردید. موسیقی‌دان بودن بعضی از خلیفه‌زادگان، نوازنده و یا آهنگساز بودن برخی از خلفا مثل واثق،[۱] منتصر[۲] و معتضد،[۳] آوازخوانی عریب، دختر جعفربن‌یحیی برمکی و بسیاری از این قبیل گویای اهمیت موسیقی در میان این طبقه اجتماعی است. می‌توان گفت چون هنر وسیله نمایش، تأیید، تثبیت و تبلیغ امتیازات خواص است، آنها در پرورش هنرمند سعی بسیار مبذول داشته‌اند.[۴] اما همه این‌ها دلیل بر ارزشمند بودن موسیقی و موسیقی‌دانان در جامعه بغداد نیست. چنانکه ابوفراس حمدانی شاعر شیعی در نکوهش عباسیان می‌گوید:

مِنکُم علیّة ام مِنهُم وَکانَ لهم شیخ المغنین ابراهیم ام لهم؟[۵]
عَلَیِّه از شما بود یا از علویان؟ استاد مغنیان ابراهیم از علویان بود یا عباسیان؟

و نیز در *الاغانی* می‌خوانیم که عُلَیّه زمانی که نماز نمی‌خواند، نغمه‌سرایی می‌کرد و در هنگام ظهر به نماز و کتاب روی می‌آورد.[۶] همچنین خلیفه مهدی، ابراهیم موصلی و ابن‌جامع را به دلیل ملازمت با پسرانش مجازات نمود[۷] و نیز همین خلیفه، ابن‌جامع را به سبب اینکه مردی قریشی است که به خنیاگری روی آورده، به شدت نکوهش کرد و طردش ساخت و به مکه تبعید نمود.[۸]

او بیم داشت گرایش فرزندانش به موسیقی مایه مخالفت شدید و آشکار پیشوایان دین با عباسیان گردد؛ زیرا تا آن زمان شاعران و خنیاگران در دربار جایگاه چندانی نداشتند و خلفای پیش از او روزگار را با تظاهر به شریعت‌خواهی گذرانده بودند. در همین خصوص روایت دیگری در *الاغانی* آمده که این نظر را به‌خوبی آشکار می‌سازد. فضل‌بن‌ربیع نواده‌اش را که به موسیقی تمایل داشت سرزنش می‌کرد که پدرانت را مفتضح کردی، زیرا در طبقه خیناکرین (خنیاگران) افتاده‌ای.[۹] افزون بر این، زندگی حرفه‌ای موسیقی‌دانان چندان هم راحت

۱ ابوالفرج اصفهانی، همان، ج۵، ص ۳۶۰؛ جلال‌الدین عبدالرحمان‌بن‌ابی‌بکرسیوطی (۱۹۵۹ م)، *تاریخ الخلفا*، تحقیق محی‌الدین عبدالحمید، مصر: مطبعة السعادة، ص ۳۴۳.
۲ ابوالفرج اصفهانی، همان، ج۹، ص ۳۰۱.
۳ همان، ج۹، ص ۴۰.
۴ امیرحسین آریانپور(۱۳۸۰)، *اجمالی از تحقیق ا.ج.آریانپور دربارهٔ جامعه شناسی هنر*، تهران: نشر گستره، ص۴۹.
۵ ابن‌طقطقی، همان، ص ۲۱۵.
۶ ابوالفرج اصفهانی، همان، ج۱۰، ص ۱۶۳.
۷ همان، ج۵، ص ۱۶۰.
۸ همان، ج۶، ص ۳۰۳.
۹ همان، ج۱۹، ص ۲۲۳.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-04]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.40.3.6]

نبود. وظایفشان سخت و خودشان همواره در معرض استثمار بودند و سختی شلاق و سیاه‌چال‌ها را تحمل می‌کردند. روشن است که خلفای هنردوست و فرزندان‌شان غنا و موسیقی را لازمه خوشگذرانی و اقتدار خود می‌دانستند؛ در عین حال از این دوگانگی به‌نوعی واهمه داشتند. به همین علت است که عبیدالله‌بن‌عبدالله‌بن‌طاهر که از مهارت او در نوازندگی سخن رفته است، تمایلی نداشت به‌عنوان موسیقی‌دان شناخته شود. از این‌رو آهنگ‌های ساخته خود را به کنیز آوازخوانش شاجی نسبت می‌داد.[۱] اسحاق موصلی نیز با تمام دانش و هنرش از حرفه خوانندگی و شناخته شدن به‌عنوان مطرب و مغنی نفرت داشت.[۲] حتی یک‌بار در عهد خلافت مأمون از خنیاگری توبه کرد و ذی و جامه خود را تغییر داد؛ اما به خواست مأمون دوباره به حرفه خویش بازگشت.[۳]

به هر صورت باید دانست که این موسیقی‌دانان پدیدآورنده هنری بودند که به لحاظ فقهی مذموم و مکروه تلقی می‌شد. به گفته فارمر: «به رغم اینکه عرب از معاشرت با موسیقی‌دان لذت می‌برد و شاد می‌شد، با این حال از گذر نوعی عواطف مذهبی و شاید برای تسکین خویشتن آنها را گناهکار می‌دانست».[۴] بنابراین اگرچه پرداختن به غنا و موسیقی و اشتغال به ساز و آواز در بین این طبقه اجتماعی رواج گسترده‌ای داشت، اما در بسیاری از مواقع پسندیده تلقی نمی‌شد. شاید به این دلیل که بیشتر اوقات استفاده از موسیقی در بزم‌های اشراف از حد مجاز خارج می‌شد و به میگساری و مستی می‌انجامید و چنین حالتی به لحاظ شرعی و عرفی، امری مذموم و حرام به‌شمار می‌رفت.

سپاهیان

در خصوص استفاده از موسیقی در بین دسته‌های نظامی باید گفت گروه موسیقی نظامی خلیفه روزانه پنج بار در اوقات نماز، برنامه اجرا می‌کرد و این گروه موسیقی به یکی از مهم‌ترین نشانه‌های اقتدار حاکمیت تبدیل شده بود. در ابتدای روزگار اسلامی، موسیقی نظامی به‌وسیله دف و نای اجرا می‌شد. اما وقتی مسلمانان با مردم حیره و غسان آشنا شدند، به نقش

---

۱ ابوالفرج اصفهانی، همان، ج۹، ص ۴۰.
۲ همان، ج۵، صص ۲۶۸و۳۱۱.
۳ همان، ج۵، ص ۳۷۴.
۴ هنری جرج فارمر (۱۳۶۷)، *تاریخ موسیقی خاورزمین «ایران بزرگ وسرزمین‌های اسلامی»*، ترجمهٔ بهزاد باشی، تهران: انتشارات آگاه، ص ۱۹۴.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-04]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.40.3.6]

آهنگ‌های نظامی در پدید آوردن شور جنگی پی بردند. چندی بعد موسیقی نظامی به‌عنوان یک ضرورت تلقی و به سازهایی مانند سرنا، بوق، طبل، دایره و سنج توجه شد.[۱]

ندیمان

ندیمان از همدمان خلیفه و اشراف به شمار می‌آمدند و از آنان حقوق و مقرری دریافت می‌کردند. دسته‌ای دیگر از ندیمان هم جزء عوام بودند که به‌واسطه مهارت و تجربه‌شان نزد خلیفه و اشراف مقرب می‌شدند. اینها از ندیمان برتر به‌شمار می‌آمدند و در مواقع مهم مورد مشورت قرار می‌گرفتند.[۲] به‌طور مثال مأمون از رجال دولتی نزد اسحاق موصلی شکایت می‌کرد و از او مشورت می‌خواست.[۳] بر این اساس بسیاری از موسیقی‌دانان از ندیمان خلیفه محسوب می‌شدند و در سفرهای مختلف همراه وی بودند. ابراهیم موصلی همدم همیشگی هارون بود و لقب «ندیم» را داشت.[۴] همچنین ابن‌جامع، اسحاق موصلی، یحیی‌بن‌مرزوق مکی، مخارق، علّویه، عمروبن‌غزال، برصوما، بنان‌بن‌عمر و... از ندیمان موسیقی‌دان این عصر بودند.[۵]

کنیزان

جواریه یا کنیزان «جاریة» زنان و دخترانی بودند که در جنگ‌ها به‌دست مسلمانان اسیر می‌شدند و اگر آنان هنری می‌دانستند خواهان بیشتری داشتند. اگر بزرگی دوستدار موسیقی بود، کنیز نوازنده و خواننده به او هدیه می‌دادند. گاهی نیز چندین کنیز که هر کدام هنری مخصوص داشت را یک‌جا هدیه می‌نمودند.[۶]

بدین ترتیب، در کاخ‌های بزرگان عباسی علاوه بر مردان، زنان موسیقی‌دان هم می‌زیستند و داشتن کنیزکان رامشگر از تجملات معمول در نزد اعیان آن عصر بود. به همین ترتیب تربیت خواننده و نوازنده نیز در جامعه بغداد رواج گسترده داشت.[۷] چنانکه ابراهیم موصلی هنرستانی داشت که در آن به کنیزان، آوازخوانی و عودنوازی تعلیم می‌داد و اشراف بغداد

---

۱ فارمر، همان، ص ۲۸۶.
۲ جرجی زیدان، همان، ص ۸۸۴.
۳ ابوالفرج اصفهانی، همان، ج۵، ص ۳۴۷.
۴ همان، ج۵، ص ۲۵۳؛ شمس‌الدین احمدبن‌محمدبن‌خلکان (۱۹۶۸ م)، *وفیات الاعیان*، ج۱، بیروت: دار الصادر، ص ۴۲.
۵ احمدبن‌محمدبن عبدربه (۱۴۰۴ ق)، *العقد الفرید*، ج۷، بیروت: دارالکتب العلمیة، ص ۳۴
۶ مسعودی، همان، ج۴، ص ۴۲؛ جرجی زیدان، همان، ص ۸۸۹.
۷ حسن مشحون (۱۳۷۳)، *تاریخ موسیقی ایران*، تهران: انتشارات سیمرغ، ص ۱۱۶.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-04]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.40.3.6]

دختران و کنیزان خود را برای آموزش موسیقی نزد او می‌فرستادند. حتی زمانی تعداد کنیزانی که برای تعلیم به او سپردند به ۸۰ تن رسید.[۱] علاوه بر این ابراهیم، کنیزان را می‌خرید و با آموختن هنر به ایشان، آنان را به قیمت گران به خلیفه و سایر متمکنین می‌فروخت. چنانکه موارد مختلف آن در *الاغانی* به چشم می‌خورد.[۲] اما بهای کنیزکانی که کمال و جمال داشتند (خوانندگان و نوازندگان)، از دیگران بیشتر بود. مثلاً ابراهیم‌بن‌مهدی برای خرید کنیزی موسیقی‌دان هم‌وزن وی پول پرداخت کرد.[۳] به عقیده روح‌الله خالقی پس از تعلیم موسیقی به چند دختر زیبارو، وجاهت منظر، سبب اهمیت بیشتر این خوانندگان شد.[۴]

از حضور زنان خواننده در مجالس بزم امین (۱۹۳– ۱۹۸ق.) داستان‌های بسیاری گفته شده است. مثلاً اینکه یکصد دختر خواننده در برابر این خلیفه به اجرای موسیقی پرداختند.[۵] در بسیاری از کتاب‌ها، ضمن شرح حال ابراهیم موصلی و بیان هوش و دقت موسیقایی او، از گروه بیست یا سی نفره ارکستر موصلی تعریف کرده‌اند که ارکستری زنانه بوده و ۳۰ دختر عودنواز به اجرا مشغول می‌شده‌اند.[۶] نادره بدیعی، پژوهشگر موسیقی، این ارکستر ۳۰ نفره را یک گروه کر یا همسرایان بی‌نظیر می‌داند و به عقیده او اگرچه این گونه همخوانی در ایران بی‌سابقه نبوده و سروده‌های مذهبی در آتشکده‌ها اجرا می‌شده است، اما اهمیت گروه کر موصلی در زن بودن همه اعضاست که در نوع خود تا آن زمان بی‌سابقه بوده است.[۷]

در کتاب *اغانی* و کتب ادبی و تاریخی دیگر نام بسیاری از زنان موسیقی‌دان آمده که در کاخ‌های خلفا و اشراف بغداد خدمت می‌کردند که به نام برخی از آنان اشاره می‌شود. دوشار همسر ابراهیم موصلی، نوازنده دف و آوازخوان،[۸] عاتکه استاد آواز اسحاق موصلی،[۹] بَذل از کارآمدترین موسیقی‌دانان دربار امین و مأمون و نویسنده کتابی به‌نام *الاغانی*،[۱۰] دنانیر

۱ ابوالفرج اصفهانی، همان، ج۵، صص ۱۶۴و۱۷۰.
۲ ابوالفرج اصفهانی، همان، ج۵، صص ۱۶۳و۱۷۰، ج۸، ص ۲۹۳، ج۱۳، ص ۳۴۷، ج۱۴، ص ۲۱۱.
۳ ابوالفرج اصفهانی، همان، ج۱۶، ص ۴.
۴ روح‌الله خالقی (۱۳۸۵)، *نظری به موسیقی ایرانی*، تهران: مؤسسه فرهنگی رهروان پویش، ص ۳۳.
۵ طبری، همان، ج۸، ص ۵۱۲.
۶ ابوالفرج اصفهانی، همان، ج۵، ص ۲۴۳؛ جرج فارمر، همان، ص ۲۲۲؛ نادره بدیعی (۱۳۵۴)، *تاریخچه ادبیات آهنگین ایران*، تهران: انتشارات روشنفکر، ص ۵۱.
۷ همان‌جا
۸ ابوالفرج اصفهانی، همان، ج۵، ص ۲۷۱؛ نادره بدیعی، همان، ص ۵۰.
۹ همان، ج۵، ص ۲۷۲.
۱۰ همان، ج۷، ص ۲۱۵.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-04]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.40.3.6]

موسیقی‌دان و نویسنده کتاب *مجردالاغانی*،[۱] شکله مادر ابراهیم‌بن‌مهدی،[۲] عریب شاعر و عودنواز زبردست دربار امین و مأمون، شاریه خواننده،[۳] قلم الصالحیه خواننده و نوازنده،[۴] ذات الخال خواننده،[۵] محبوبه، عالم، شاعر، آهنگساز و عودنواز دربار متوکل[۶] و مونسه کنیز موسیقی‌دان محمدبن‌عبدالله‌بن‌طاهر.[۷]

با این همه، آیا حضور این زنان در دربار بیانگر جایگاه اجتماعی برجسته آنهاست؟ در پاسخ باید گفت اگرچه این خوانندگان در دستگاه خلافت به‌طور گسترده حضور داشتند و در زمان‌های مختلف به هنرنمایی می‌پرداختند، اما این هنر هیچ‌گاه جایگاه اجتماعی آنان را تغییر نمی‌داد و موجب نمی‌شد به‌واسطه هنر خود در طبقه بالاتری قرار بگیرند. به نظر می‌رسد این کنیزان ابزاری برای خوشگذرانی خلفا و درباریان بودند و تنها در مجامع عیش و طرب، دانش و هنر آنها معنا می‌یافت. به عبارت دیگر، موقعیت اجتماعی کنیزان خواننده حتی به‌عنوان افراد آزاد هم پایین‌تر از دیگران بود. آنها پیوسته به‌عنوان عوامل همراهی‌کننده به موسیقی‌دانان درجه اول وابسته بودند. در آن عصر، تاجران برده با خرید این دختران و آموزش موسیقی به آنها با قیمتی بالاتر آنان را می‌فروختند. در بیشتر این موارد مهارت موسیقی، امتیازی بود که بردگان می‌توانستند آزادی خود را از آن طریق به دست آورند. همچنین داشتن کنیز هنرمند برای خلفا و اشراف بغداد نوعی ضرورت و امتیاز محسوب می‌شد و پایگاه بلند اجتماعی آنها را تعیین می‌کرد. زیرا خواص تمایل دارند در همه چیز اعم از پوشش، رفتار، زبان و ذوق، ممتاز و از مردم عادی متمایز باشند و بدین‌وسیله نشان دهند که اولاً برخلاف بیشتر مردم، به فعالیت‌های تفننی می‌پردازند و ثانیاً صاحب ثروت و قدرت هستند و عمر به ناز و نعمت می‌گذرانند.[۸]

طبقه عامه

این گروه از نظر تعداد بیش از طبقه خاصه و متنوع‌تر از آن بودند. آنان از نژادها و ملیت‌های

۱ توکا ملکی (۱۳۸۰)، *زنان موسیقی ایران*، تهران : انتشارات کتاب خورشید، ص ۹۳.
۲ ابوالفرج اصفهانی، همان، ج۱۰، ص ۹۵؛ ابن‌خلکان، همان، ج۱، ص ۳۹.
۳ همان، ج۹، ص ۴۰.
۴ همان، ج۱۳، ص ۳۴۷.
۵ همان، ج۱۶، ص ۳۱۵.
۶ مسعودی، همان، ج۴، صص ۴۲.
۷ همان، ج۴، صص ۸۷-۸۸.
۸ امیرحسین آریانپور، همان، ص ۱۳۵.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-04]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.40.3.6]

مختلف در بغداد آن روز گردهم آمده، در فعالیت‌های علمی، هنری، ادبی، تجاری و... شرکت داشتند.[۱] البته ارائه شرح حال همه آنها در اینجا دشوار و شاید ناممکن است. اما همین قدر می‌دانیم که عرب‌ها، هنرهای زیبا را آداب رفیعه می‌نامیدند[۲] و آن را به سه بخش نقاشی، شعر و موسیقی تقسیم کرده بودند که از میان آنها شعر و موسیقی در بین خاص و عام رونق یافت و همان‌گونه که گفته شد، شاعران و موسیقی‌دانان به پیشگاه بزرگان عصر عباسی تقرب می‌جستند.

از لابه‌لای منابع تاریخی و ادبی می‌توان پی برد که موسیقی تا چه اندازه در بطن جامعه و در بین مردم بغداد رواج داشته است. وجود رود دجله در بغداد، از آن شهری رؤیایی ساخته بود که مناسب تغنی و تغزل بود. دسته‌های خوانندگان و نوازندگان در کنار دجله نوای ساز را با آوای رود درهم می‌آمیختند و مردم نیز در این شور و نشاط آهنگین با ایشان همراهی می‌کردند. بنابراین در اینجا نیز طبیعت الهام‌بخش ذوق و احساس هنرجویان و هنرمندان بود. علاوه بر فضای مهیج، ثروت، رفاه مادی، تجمل‌گرایی و علاقه ذاتی قشرهای مختلف مردم بغداد را به سوی هنرهای زیبا به‌ویژه موسیقی سوق می‌داد. به‌طور کلی گرایش به موسیقی در بین عامه مردم بیشتر جنبه تفریحی و سرگرمی مثبت داشت. چراکه ساخته‌های هنری عوام همواره ساده و بی‌پیرایه‌اند و از زندگی روزمره مردم جامعه نشئت می‌گیرند. هنر عوام از صفای طبیعی و شور انسانی سرشار است. در افسانه‌ها و ترانه‌های عامیانه، هرچه برای زندگی سودمند باشد از طراوت و رنگارنگی حیات‌بخش گیاهان تا شادابی و تندرستی انسان، زیبا به‌شمار می‌رود.[۳] مسعودی درباره کاربرد موسیقی در بین مردم می‌نویسد: «رسم ملوک عجم بود که با آهنگ موسیقی می‌خفتند تا طرب در جانشان روان شود. زن عرب کودک خود را هنگام گریستن نمی‌خواباند که بیم دارد غم در تن او رخنه کند و در جانش راه یابد؛ بلکه با او بازی می‌کند و برایش لالایی می‌خواند و او را می‌خنداند تا اینکه شادمان بخواب رود و جسمش رشد کند و خونش صاف شود و عقلش روشن گردد. کودک از موسیقی لذت می‌برد و گریه‌اش را به خنده تبدیل می‌کند».[۴] به گفته صالح المهدی نویسنده معاصر تونسی، ادبیات عرب مملو از شواهدی است که نشان می‌دهد موسیقی در نزد اعراب در زمان‌های پیش جایگاهی ویژه داشته است. تجار در کاروان‌های تجاری، صنعتگران و کارگران به‌هنگام کار،

۱ جرجی زیدان، همان، ص ۸۹۱.
۲ همان، ص ۸۹۴.
۳ امیرحسین آریانپور، همان، ص ۱۱۸.
۴ مسعودی (۱۴۰۹ ق)، همان، ج۴، ص ۱۳۴.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-04]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.40.3.6]

ماهیگیران در زمان صید، کشاورزان به‌هنگام کاشت و برداشت محصول و قصه‌گویان به‌هنگام نقل حکایت از موسیقی بهره می‌گرفتند.[۱]

اگرچه نوای موسیقی در کاخ‌های خلفا و خانه‌های اشراف نمود بیشتری داشته و موسیقی‌دانان برای کسب شهرت و برخورداری از زندگی مرفه جذب دستگاه آنها شده‌اند، اما تأثیر این هنر در بین عوام نیز ملموس بود. چنان‌که مسعودی از ابراهیم‌بن‌مهدی داستانی نقل کرده که علاقه‌مندی گروهی از بزّازان بغداد را به موسیقی نشان می‌دهد. بر طبق این داستان، روزی ابراهیم‌بن‌مهدی به‌طور ناشناس به منزل خیاطی وارد می‌شود که برای دوستانش مهمانی باشکوهی برپا کرده بود. در این مجلس پس از صرف غذا، کنیزکی ماهرانه عود می‌نوازد و می‌خواند و مجلس را گرم می‌کند. و بعد از او ابراهیم نیز با نواختن عود و خواندن آوازهای زیبا همه حاضران را به وجد می‌آورد. مهارت ابراهیم در نوازندگی شگفتی حضار را بر می‌انگیزد و هنگامی که او خود را معرفی می‌کند، آنها خرسند از دیدار این استاد موسیقی و شاهزاده هنرمند از او قدردانی می‌کنند.[۲] همین نویسنده، حکایت دیگری درباره دلبستگی مردم به موسیقی آورده است که بر اساس آن، یک حجامتگر ساکن بغداد چنان شیفته نوای موسیقی است که برای استماع چند قطعه ساز و آواز از ابراهیم‌بن‌مهدی از جایزه ۱۰۰ هزار درهمی مأمون برای تحویل ابراهیم به حکومت چشم‌پوشی می‌کند.[۳]

حکایت دیگری که مسعودی با واسطه از قول جاحظ نقل کرده به‌خوبی رواج موسیقی را در جامعه آن روزگار بغداد به تصویر می‌کشد. بر اساس آن، دو تن از نوازندگان سه تار و عود در کشتی عازم بغداد در حضور جاحظ و محمدبن‌ابراهیم به زیبایی می‌نوازند و می‌خوانند.[۴] همراه داشتن ساز سه تار و عود در هنگام سفر و اجرای موسیقی در کشتی بیانگر اهمیت غنا و موسیقی در بین مردم آن زمان است. چنانکه امروز نیز در سفرها موسیقی، البته نه اجرای زنده، مسافران را همراهی می‌کند.

در نهایت برای پی بردن به گرایش‌های ذوقی و هنری جامعه بغداد در این زمان باید گفته‌های ابن خردادبه را در پیشگاه معتمد مطالعه کرد. او می‌گوید: «موسیقی ذهن را لطیف، اخلاق را ملایم، جان را شاد، قلب را دلیر و بخیل را بخشنده می‌کند؛ و نشاط می‌آورد و غم

۱ صالح المهدی، همان، صص۲۳۹.
۲ مسعودی، همان، صص ۴۲۳-۴۲۵.
۳ همان، ج۳، ص ۴۴۵.
۴ همان، ج۴، ص ۱۷.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-04]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.40.3.6]

می‌زداید. وقتی غمگین هستی، جز از شراب و نغمه ساز بهره مگیر. آفرین بر خردمندی که موسیقی را پدید آورد. چه رازی را نمودار کرده و چه هنری را به‌وجود آورده و سوی چه فضیلتی راهبر شده است! به‌راستی که یگانه روزگار خود بوده است. هرکس شامّه‌اش معیوب باشد، عطر را ناخوش دارد؛ و هر که ذوقش خشن باشد، از شنیدن موسیقی بیزار باشد و از آن دوری نماید و آن را عیب گوید و مذمت کند».[۱]

نتیجه‌گیری

موسیقی در بغداد عصر عباسی هنری تأثیرگذار بود که گروه‌های مختلف اجتماعی آن را عضو لاینفک زندگی خود می‌دانستند. در بین خواص موسیقی نقش برجسته‌تری داشت، چرا که بیانگر پایگاه اجتماعی، تمایز و تشخص آنان بود و خواص با استخدام نوازندگان و خوانندگان خوش‌آواز، هنردوستی، شکوه و اقتدار خود را نشان می‌دادند و پایگاه مهم اجتماعی و تفاوت‌شان را با دیگر گروه‌ها به رخ می‌کشیدند. طبقه خاصه که شامل خلیفه، خاندان خلیفه، رجال دولتی و وابستگان طبقه بالا می‌شد با حمایت از هنرمندان در پیشرفت این هنر نقش مؤثری ایفا کردند. خلفایی مانند هارون، مأمون، امین، واثق، متوکل و معتضد و دولت‌مردانی همچون برمکیان و طاهریان در شکوفایی موسیقی و پرورش موسیقی‌دانان بزرگ کوشیدند. دلیل دیگر اهمیت موسیقی پرداختن فرزندان خلفا به این هنر بود. ابراهیم‌بن‌مهدی نمونه برجسته این بزرگان است که در موسیقی استادی ماهر به شمار می‌رفت. اینان با برگزاری مجالس طرب و جذب موسیقی‌دانان دیگر موجب ترویج این هنر در جامعه می‌شدند.

موسیقی در بین عموم مردم بغداد نیز جایگاه پراهمیتی داشت، چرا که اقشار مختلف به ساز و آواز علاقه‌مند بودند و یا در تحصیل این هنر کوشش می‌کردند. به گواهی منابع گروه‌های مختلف ساکن در بغداد عصر عباسی در زندگی روزانه خود موسیقی را به‌کار می‌گرفتند.

اما به دلیل نقل برخی روایات مبنی بر تحریم شرعی موسیقی، پرداختن به این هنر در بسیاری از مواقع حرام یا مکروه و مذموم تلقی می‌شد و اجتماع اسلامی بغداد آن را به‌عنوان هنری ارزشمند نپذیرفته بود. توبه اسحاق موصلی از غنا و نفرت او از مغنی بودن و مجازات ابراهیم موصلی و ابن‌جامع به خاطر ملازمت با فرزندان خلیفه بیانگر همین دیدگاه است.

---

۱ مسعودی، همان، صص ۱۳۴-۱۳۵.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-04]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.40.3.6]

بنابراین نمی‌توان رواج گسترده موسیقی را در جامعه بغداد نشانه مقبولیت و ارجمندی این هنر دانست؛ بلکه هنر موسیقی بیشتر به‌عنوان آلتی تفریحی و ابزاری تبلیغی در نزد گروه‌های اجتماعی به‌ویژه خواص مطرح بوده است.

منابع و مآخذ

- آریانپور، امیرحسین (۱۳۸۰)، *اجمالی از تحقیق ا.ح.آریانپور درباره جامعه‌شناسی هنر*، تهران: نشر گستره.
- ابن‌خطیب، احمدبن‌علی (۱۴۱۷ق)، *تاریخ بغداد*، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ابن‌خلدون (۱۳۷۵)، *مقدمه*، ترجمهٔ محمد پروین گنابادی، تهران: انتشارات علمی وفرهنگی.
- ابن‌خلکان، شمس‌الدین احمدبن‌محمد (۱۹۶۸)، *وفیات الاعیان*، بیروت: دار الصادر.
- ابن‌عبد ربه، احمدبن‌محمد (۱۴۰۴ق)، *العقد الفرید*، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ابن‌عبری، غریغوریوس‌بن‌اهرون (۱۹۹۲)، *تاریخ مختصر الدول*، تحقیق آنتون صالحانی یاسوی، بیروت: دارالشرق.
- ابن‌طقطقی، محمدبن‌علی‌بن‌طباطبا (۱۹۹۷)، *الفخری فی آداب السلطانیة ودول الاسلامیة*، تحقیق عبدالقادر محمد مأیو، بیروت: دارالقلم العربیة.
- ابوالفرج اصفهانی، علی‌بن‌حسین (۱۹۶۳)، *الاغانی*، قاهره: دار الکتب.
- ایرانی، اکبر (۱۳۸۶)، *حال دوران*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- المهدی، صالح (بهار و تابستان ۱۳۸۶)، «سنت موسیقی عرب»، ترجمهٔ فریبا سلامت‌نیا، *آینه میراث*، ش۳۶ و۳۷.
- بدیعی، نادره (۱۳۵۴)، *تاریخچه ادبیات آهنگین ایران*، تهران: انتشارات روشنفکر.
- بیانی، شیرین (۱۳۷۷)، *تیسفون و بغداد در گذر تاریخ*، تهران: انتشارات جامی.
- جاحظ، عمروبن‌بحر (۱۹۱۴)، *التاج فی اخلاق الملوک*، تحقیق احمد زکی باشا، قاهره: المطبعة الامیریه.
- خالقی، روح‌الله (۱۳۸۵)، *نظری به موسیقی ایرانی*، تهران: مؤسسه فرهنگی رهروان پویش.
- دنیس الک، رابرتسون استیونس (۱۳۶۹)، *تاریخ جامع موسیقی*، ترجمهٔ بهزاد باشی، تهران: انتشارات آگاه.
- زیدان، جرجی (۱۳۸۶)، *تاریخ تمدن اسلام*، ترجمهٔ علی جواهرکلام، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمان‌بن‌ابی‌بکر (۱۹۵۹)، *تاریخ الخلفا*، تحقیق محی‌الدین عبدالحمید، مصر: مطبعة السعادة.
- ضیف، شوقی [بی‌تا]، *العصر العباسی الاول*، قاهره: دارالمعارف.
- طبری، محمدبن جریر (۱۳۷۸ق)، *تاریخ الامم والملوک*، تحقیق محمدابوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالتراث.
- فارمر، هنری جرج (۱۳۶۷)، *تاریخ موسیقی خاورزمین «ایران بزرگ و سرزمین‌های اسلامی»*، ترجمهٔ

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-04]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.40.3.6]

بهزاد باشی، تهران: انتشارات آگاه.
- مسعودی، علی‌بن‌حسین (۱۴۰۹ ق)، *مروج الذهب و المعادن الجوهر*، تحقیق اسعد الداغر، قم: دارالهجره.
- مشحون، حسن (۱۳۷۳)، *تاریخ موسیقی ایران*، تهران: انتشارات سیمرغ.
- مکی، محمدکاظم (۱۳۸۳)، *تمدن اسلامی در عصر عباسی*، ترجمهٔ محمد سپهری، تهران: انتشارات سمت.
- ملکی، توکا (۱۳۸۰)، *زنان موسیقی ایران*، تهران: انتشارات کتاب خورشید.
- حموی، ابن‌عبدالله یاقوت (۱۹۹۵)، *معجم البلدان*، بیروت: دار الصادر.

- Kins, Jean ,and Rovsing Olson, Paul (1976), *Music and musical of instrument in the* world of I*slam*, Horniman Museum London World of Islam Festival Publishing Company Ltd.

.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-04]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.40.3.6]